

یادآوری:

دوستان فرهیخته بی "وطندار" با ابراز علاقمندی فراوان از نوشته های گنجینه های فرهنگی جهان "میراث بشریت"، خواهش نموده اند تا در معرفی یادگار های کشور و منطقه ، بیشتر توجه مبذول گردد. گنجینه های فرهنگی جهان "میراث بشریت"، تنها به آن آثار باستانی وارزشمندترین اماکن طبیعی ابلاغ میگردد که سازمان تربیتی ، علمی و فرهنگی بین الملل، یونسکو، از سال ۱۹۷۲ میلادی بدینسو با عرضه بی کمک های اقتصادی - عمرانی، زیر پوشش نگهداری و حمایت خویش قرار داده است. امیدواریم فرصت یاری کند تا در مجال دیگری بتوانیم به معرفی آبدات تاریخی و جایگاه های زیبای طبیعی کشور و منطقه در همین منوال بیشتر بپردازیم.

اصل این نوشته ، مضمون برنامه ایست ، که از طرف تلویزیون دویچه وله DW-TV بدسترس شبکه های تلویزیونی افغانستان قرار گرفته است. بدینوسیله از اجازه پخش آن در رسانه های دیگر، از تلویزیون دویچه وله ابراز امتنان می گردد. وطندار بنابر نیاز و اهمیت موضوع ، این مطلب را از روی نسخه یی جراید کشور اقتباس نموده است و با سپاس فراوان از تلویزیون دویچه وله DW-TV درینجا به نشر می سپارد.



گنجینه های جهان - میراث بشریت

غدامس (لیبیا)

برگردان و ویراستار: جیلانی لیب

" تنها خداوند داناست که از قدامت واقعی این واحه آگاهی دارد و بس. " غدامس " ، تاریخیه دو هزار ، سه هزار ساله و یا بیشتر از آن را دارا میباشد. با ابراز تأسف، اما زندگی امروز چنان عصری شده است که بیشتر مردم بومی واحه ازینجا کوچیده اند و در شهر جدید همجوار بسر میبرند. روزهای جمعه اما محله های قدیمی مثل همیشه بصورت پیشین خود در می آیند. همه چیز دوباره به شهر کهنه بر میگردد، و هر کسی در مسجدش ، نماز جمعه خود را برگزار میکند. "

در کرانه شمال "صحرا" Sahara ، در آنجا که دریای بزرگی ازریگ آغاز میگردد، وزمین های هموار سرخ پایان می یابد، آنجا که کشور های "الجزایر" ، " تونس " ، و "لیبیا" همجوار یکدیگر اند، در آغوش جنگلزار نخلستان ها ، شهر تجارتي و افسانه گوی "غدامس" Ghadamis قرار گرفته است.



هر کسی که خسته از "تونس" و یا از "تیمبوکتو" Timbuktu ، شهری از کشور مالی در غرب افریقا ، می آمد و بعد از هفته ها آفتاب سوزان بیابانی، در سایه های متلاطم نخلستان های شهر می



آسایید و به باغستان های وسیعی می نگریست، "غدامس" را، باغ سبز مینو وشی می پنداشت .

قبلاً برای هفت هزار باشنده اش آب فراوان چشمه واحه "الفراس" *Al-Farras* تکافو مینمود. مردم هنوز هم ازین چشمه برای آبیاری باغستان های خویش استفاده می نمایند.

باغ های غدامس همچون یک خانه سه منزله آباد شده اند. در پایان غله و سبزیجات می رویند، یک منزل بالاتر جای درختان میوه اوست، و در طبقه سوم برای حفاظت و بخاطر سایه آنها، درختان خرما سر بفلک کشیده اند. در روزگارهای خوب، سی هزار درخت خرما درینجا قدبرافراشته بودند. خرما قبلاً در "صحرا" مقام پول را دارا بوده است. خرما، با کوچکی، مدت زیاد قابل مصرفش، و نیروی تغذیه خود، از آنجاییکه براحتی میتوانست هر جا انتقال داده شود، آذوقه مطلوب کاروان ها بشمار میرفت. کاروان ها درین شهر خود را با خرما تجهیز مینمودند. اینجا نقطه تقاطع کاروانی سر تا سر شمال افریقا شده بود.



"غدامس" قدیمی واحه ایست بی مانند. هر کسی که درینجا داخل شود، وارد خم و پیچ های پنهانی یک شهر افسونگر میگردد. راهرو ها، که کاملاً با ساختمانهای خانه ها، سرپوش شده و سرد و زیرزمینی بنظر میرسند، گاهی به مکان های کم روشنی می انجامند، که اغلباً مقابل دروازه های مساجد قرار دارند.

اگر چه ناحیه کهنه شهر متروک گردیده، اما کاملاً از آن صرف نظر نشده است. جشن ها، محافل عروسی و مراسم مذهبی هنوز هم در همین حوزه باستانی غدامس برگزار میگرددند. سال یکبار پیروان هر چهار طریقت تصوف، به کوچه های شهر سرازیر می گردند. این اهل تصوف، خلاف تعلیمات مکتبی و شعوری اسلام، با خلسه و سماء، به نیایش پروردگار می پردازند. نیاکان اینجا با نمایندگی های خویش در "نیجر" *Niger*، ساحل دریای "نیل"، تونس، مصر و سرزمین "کونگو"، بزریعه کاروان ها تجارت مینمودند. اگر چه دروازه های این شهر بسوی جهان باز بود، در داخل اما به هفت محله تقسیم میشد، که آنها را همیشه هفت جاده مینامیدند. هر قوم زندگی خودش را داشت، جدا از دیگران، با مکان ها و مسجد های خویش. هر یکی ازین هفت محله، جامعه سربسته ای برای خودش بشمار میرفت. بعضی مسایل، مرزهای داشتند که کسی از آن پا فراتر نمی نهاد. اغلباً مسکونین محله ها بخاطر آب و یا داد و ستد ها



با هم جدال می نمودند، اما هنگام نیاز، مثلاً وقت آتش سوزی، و یاتجاوز دشمن با هم متحد بودند. از باغستان ها، همیشه شمال سردی به چهره شهر می وزد، زیرا فضای باز پرتوافکن بالای راهروها همچون یک دودکش، هوای تازه را نیز بسوی خود جذب می کند. این روش معماری، باحرارت سوزان بیابان بخوبی سرکشی



مینماید. درینجا مهاجمین شانس خوبی نداشته اند، زیرا
نمیدانستند بگجا بروند. زمانه های خوب دیگر سپری شده است. با
عصر استعمار، دوران کاروان ها نیز به آخر رسیده، سنت ها اما هنوز
زنده مانده اند. صبحدم ها، پیش ازینکه دروازه های هر هفت مسجد
ناحیه قدیمی شهر گشوده شوند، سالمندان این واحه به جاهای

دیرینه خویش نشسته و یا اینکه مشغول کار در باغستان ها میباشند. همین پیر مردانند که تا زمان نامعلومی به
شهر متروک غدامس باز هم زندگی می بخشند. در هنر این خطه صحرائی، عناصر هنر عرب و اسلام، بربری و
"بیزانتیک" با هم در آمیخته اند. در اعماق بیابان، اسلام عرفانی و مردم فهم تصوف، طرفداران زیادی پیدا
نمود. به ویژه ناداران، مردم عام و بردگان افریقایی بسیاری، پیرو طریقت های صوفیانه گردیدند. شام ها در
کنار مسجد، مرتباً از زمانه خوب دیرینه صحبت بعمل می آید: ازینکه کاروان های بیشتر از یکصد شتر تا
"نایجیریا" *Nigeria* و یا "کونگو" *Kongo* به تجارت میرفتند. ازینکه در غدامس پنج راه کاروانی با هم
متقاطع میگرددیدند، و اینجا گذرگاه تمام قاره افریقا شده بود. درباره اینکه غدامس چون خیلی واحه های
دیگر، بیش از همه با خرید و فروش بردگان ثروتمند گشته بود، کسی با شوق و ذوق سخنی بزبان نمی آورد.
پشت های بام غدامس از آن زن ها و خورد سالان بشمار میرفت.



زنان که میتوانستند در آن بالاها، بدون حجاب و جلب توجه در برج
و بارو های شهر آزاد حرکت بکنند و از یک محله به محله دیگری
گردش نمایند، پیش از دیگران متوجه ورود کاروان ها
میگردیدند درین صورت فریاد های آنها همه شهر را فرا میگرفت. اگر
سوارکاران مشکوکی وارد شهر میشدند، بانگ مخصوص اسلحه را
فریاد می نمودند. ورود کاروان ها همیشه قبلاً بزریعه چابک

سوارانی اعلان میشدند که آنها را رقاص، یا پایکوبگر مینامیدند. ساختمان های گلی در صورت عدم مواظبت
متداوم، بزودی ویران میگرددند. بسیاری از غدامیسی ها برای چنین کاری، یا دارای توانایی مالی نیستند یا
علاقه بدان ندارند. درین میان حتی خانه های کنار راهروهای اصلی نیز فرو میریزند. ادای هر نماز جمعه
در ناحیه شهر کهنه، غدامسیان را یکبار دیگر بخاطر می آورد که واحه تاریخی شان در معرض ویرانی قرار گرفته
است. غدامس این واحه بی ساخته شده از گچ و گل، ریشه و میراث همه ساکنان خویشست. اگر این شهر کهن بمیرد، خاطره ها و سنت
های باشندگانش نیز نابود خواهند گردید. در غدامس تار و پود، و عرف و عادات شهروندانش ریشه یافته است. پایان

admin@vatandar.at

مدیر مسوول: دیپلوم انجنیر عمر محسن زاده

صاحب امتیاز: انجنیر نجیب یوسفی

کلیه ی حقوق بر اساس قوانین کپی رایت محفوظ و متعلق به «وطندار» می باشد

رفقا، دوستان عزیز تارنمای **وطندار!** لطفاً نظرات، پیشنهادات، انتقادات، مقاله ها، نوشته ها، مضامین و مطالب علمی و تحلیلی خود
را جهت نشر به ادرس پوست الکترونیکی سایت بفرستید: